

معرفی محوطه‌ها و استقرارهای اشکانی حاشیه شرقی زاگرس

(مبتنی بر بررسی‌های باستان‌شناسی سه شهرستان کمیجان، خنداب و شازند)

علیرضا خسروزاده، محسن کریمی

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد

کارشناس ارشد باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد، کارشناس اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان مرکزی

Akhosrowzadeh@yahoo.com

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۱۱/۲۸

چکیده

شهرستان‌های کمیجان، خنداب و شازند در غرب و جنوب غرب استان مرکزی و در حاشیه شرقی زاگرس واقع شده‌اند. مطالعه صورت گرفته بر روی استقرارهای دوره تاریخی این منطقه نشان می‌دهد که در دوره اشکانی به عنوان نقطه‌ای حائل بین مرکز فلات ایران و منطقه زاگرس در تبادلات فرهنگی این دوره نقشی مهم ایفا نموده است. از آنجا که سفال نوع کلینکی در یک منطقه وسیع جغرافیایی از غرب روی مسیر قصر شیرین (تپه عظیمیا، قلعه یزگرد) و از سمت شرق تا حدود خورهه گسترش داشته است؛ یافته‌های سفالی نوع کلینکی منطقه، پل ارتباطی بین منطقه فلات ایران (خورهه) و استقرارهای واقع در زاگرس مرکزی را تشکیل می‌دهد. در حوزه مورد مطالعه در ارتفاع ۱۶۰۰ متر تا حدود ۲۲۰۰ متر از سطح دریا تعداد ۱۲۳ استقرار دائم و برخی موقتی متعددی در دوره اشکانی شکل گرفته است که افزایش نسبی جمعیت منطقه و تراکم آن را نشان می‌دهند.

واژگان کلیدی: حاشیه شرقی زاگرس، استقرارهای اشکانی، کمیجان، خنداب، شازند.

مقدمه

کارکرد ارتباطی این محوطه‌ها با دیگر نواحی قلمرو فرهنگی دوره اشکانی است.

۲. آیا از نظر فرهنگی بین این محوطه‌ها و نواحی همجوار قلمرو فرهنگی اشکانی ارتباطاتی وجود دارد یا خیر؟ با توجه به آنکه این منطقه در برهم کنش سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دوره اشکانی بین منطقه فلات مرکزی (خوره) و منطقه غرب (زاگرس) نقشی مهم ایفا نموده است.

ملاحظات جغرافیایی و زیست محیطی

کوههای زاگرس در زمره مهم‌ترین چشم‌اندازهای خاورمیانه است که از سرحدات ایران، ترکیه و عراق شروع می‌شود و در جهت جنوب شرق حدوداً بیش از هزار مایل ادامه می‌یابد. این رشته کوه از مرزهای ایران، ترکیه و عراق شروع می‌شود و پس از آن در طول سواحل شرق خلیج فارس و دریای عمان تداوم می‌یابد. همچنین زاگرس دارای موقعیت و وضعیتی استراتژیکی در زمینه امور بین‌المللی این منطقه است که خود به عنوان مرزهای طبیعی بزرگی بین سرزمین‌های پست بین‌النهرین در غرب آن و فلات ایران در شرق آن است. در واقع زاگرس و سرزمین‌های پست بین‌النهرین اشاره‌ای به خویشاوندی بلندمدت و طولانی از زمان‌های پیش از تاریخ تا عصر حاضر دارد (Levin, 1975:1).

ناحیه زاگرس مرکزی (نقشه جغرافیایی ۱) منطقه‌ای است که از لحاظ تقسیمات سیاسی استان‌ها، بخشی از آن در استان همدان، بخش بزرگی از آن در قسمتهای مرکزی و غربی در استان کرمانشاه، قسمتی از شمال آن در استان کردستان و بخش‌هایی از نواحی جنوب آن نیز در استان‌های لرستان و ایلام

امروزه توجه به نقش مناطق بینابینی در برهم کنش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یکی از مسائل مهمی است که مورد توجه پژوهشگران باستان‌شناس قرار دارد. در این بین، بررسی‌های باستان‌شناسی نقش مهمی در شناخت تاریخ تحولات سیاسی و فرهنگی در مناطق گوناگون دارد. الگوهای استقرار دوره اشکانی در شهرستان‌های واقع در حاشیه شرقی زاگرس (کميجان، خنداب و شازند) در استان مرکزی در راستای دست یافتن به نقش این مناطق بینابینی در تاریخ تحولات دوره اشکانی مورد مطالعه قرار گرفته است.

این منطقه، نقطه‌ای حائل بین مرکز فلات ایران و منطقه زاگرس بوده و از این رو به عنوان منطقه‌ای بینابینی در تبادلات فرهنگی سه دوره پیش از تاریخی، تاریخی و اسلامی ایفای نقش نموده و نیاز به مطالعه و بررسی ویژه دارد. لذا جهت تحقق اهداف فوق، الگوهای استقرار منطقه با در نظر گرفتن متغیرهای مهمی همچون ارتفاع از سطح دریا، دسترسی به منابع آب، شیب طبیعی زمین و نیز وسعت محوطه‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است. مهمترین پرسش‌ها و فرضیاتی که در ارتباط با محوطه‌های اشکانی این منطقه مد نظر است عبارت است از:

۱. ساختار، پراکندگی و وسعت این استقرارها در این دوره به چه صورت است؟ وسعت استقرارها، دوری و نزدیکی به منابع آب، شرایط اقلیمی و زیست محیطی استقرارها و نیز داده‌های سطحی محوطه‌ها بیانگر چند دوره‌ای بودن استقرارها و همچنین

از جهت جنوب شرق به استان اصفهان محدود می‌شود و به جهت قرار گرفتن در مسیر جاده‌های مهم ارتباطی که مرکز کشور را به غرب ایران و همچنین جنوب ارتباط می‌دهند، از موقعیت بسیار مهمی برخوردار است.

شهرستان کمیجان یکی از شهرستان‌های استان مرکزی است که در غرب استان واقع شده و مرکز آن شهر کمیجان است. این شهرستان از جهت شمال به شهرستان ساوه، از جهت شمال شرق و شرق به شهرستان تفرش، از جهت جنوب به شهرستان اراک و از جهت غرب به استان همدان محدود می‌شود.

مهم‌ترین رودخانه شهرستان کمیجان، رودخانه قره‌چای است که از کوه‌های سربند سازند سرچشمه گرفته، از غرب کمیجان عبور کرده و در امتداد مرز طبیعی همدان به طرف شهرستان ساوه امتداد مسیر می‌دهد و سرانجام به دریاچه فصلی مسیله در قم می‌ریزد. طول رودخانه ۵۴۰ کیلومتر و حوضه آبریز آن ۱۸۰۰۰ کیلومتر می‌باشد (رحیم پور، ۱۳۸۴: ۲۲ - ۱۲).

شهرستان خنداب با وسعتی بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر مربع در غرب شهرستان اراک قرار گرفته است. این شهرستان از شمال به شهرستان کمیجان، از غرب به استان همدان (شهرستان ملایر)، از شرق به شهرستان اراک و از جنوب به شهرستان سازند محدود می‌شود. این شهرستان تا سال ۱۳۸۶ بخشی از شهرستان اراک محسوب می‌شد و از این پس به عنوان یک شهرستان جدید در نقشه تقسیمات کشوری استان مشخص گردید.

این محدوده به دلیل قرار داشتن در امتداد دشت و رودخانه شفاء (قره چای)، دامنه‌های رشته کوه زاگرس و ریزش جوی از نظر کشاورزی مناسب و

قرار می‌گیرد. این ناحیه به عنوان پل ارتباطی و نقطه حایل بین دو بخش شرقی و غربی امپراطوری اشکانی به لحاظ وجود استقرارگاه‌های متعدد حایز اهمیت است. این منطقه جغرافیایی دربردارنده کوه‌های مرتفع، دشت‌های هموار میان‌کوهی و دره‌های کوچک و بزرگ است که استقرارگاه‌های بی‌شماری را از این دوره مهم تاریخی درون خود جای داده است (محمدی‌فر، ۱۳۸۴: ۹۵-۹۳).

واژه زاگرس مرکزی توسط باستان‌شناسان حوزه مطالعاتی دوره پیش از تاریخ ایران و از سوی محققین کانادایی و آمریکایی به کار گرفته شده است (شاخ، ۱۳۸۱: ۳۴۲) کایلر یانگ آن را به مرکزیت کرمانشاه و دره‌های میان‌کوهی اطراف آن به سایر جوانب می‌داند (Young, 1966: 16)؛ این در حالی است که برخی دیگر از محققین این منطقه را وسیع‌تر از استانهای امروزی کرمانشاه، همدان و ایلام و لرستان می‌دانند.

در این بین استان مرکزی (نقشه جغرافیایی ۲) به عنوان چهار راهی که استان‌های غربی، شرقی، شمالی و جنوبی کشور را به یکدیگر متصل می‌کند؛ بخشی از حاشیه شرقی زاگرس مرکزی را در غرب و جنوب غربی خود (شهرستانهای کمیجان، خنداب و سازند) جای داده است. دشت چزانو کمیجان در شمال، دره شفاء در قسمت میانی و نیز منطقه کوهستانی سازند در جنوب و هم مرز با لرستان دارای شرایط مساعد طبیعی به منظور ایجاد سکونت‌گاه‌های متنوع در طول تاریخ بوده است (نقشه جغرافیایی ۳).

این استان از جهت شمال به استان‌های تهران و قزوین، از جهت غرب به استان همدان، از جهت جنوب به استان لرستان، از جهت شرق به استان قم و

جاذب جمعیت بسیار است (تصویر ۱). علی‌رغم آنکه رود قره‌چای در گذشته منبع اصلی ایجاد استقرارگاه های انسانی در منطقه بوده است؛ امروزه ضمن کاهش بسیار سطح آب‌های زیرزمینی، این رود نیز به یک رودخانه فصلی تبدیل شده است.

شهرستان شازند نیز با ۳۰۲۸ کیلومتر مربع در جنوب غرب استان مرکزی واقع شده است. شهر شازند به عنوان مرکز شهرستان، در جنوب غربی اراک با ارتفاع ۲۰۰۰ متر از سطح دریا واقع شده است. این شهرستان دارای دو بخش مرکزی و هندودر می‌باشد و از شمال و شرق با شهرستان اراک، از جنوب شرقی با شهرستان خمین، از جنوب با شهرستان‌های الیگودرز و بروجرد در استان لرستان و از طرف غرب با شهرستان ملایر در استان همدان همسایه است.

این شهرستان به دلیل ارتفاع زیاد و کوهستانی بودن دارای زمستان‌های سرد و تابستان‌های معتدل است. بارش سنگین برف و کولاک در فصل زمستان از ویژگی‌های هواشناسی شهرستان محسوب می‌شود.

محوطه های اشکانی منطقه مورد مطالعه

به طور کلی، بر اساس گزارش انجام بررسی‌های باستان‌شناسی صورت گرفته توسط اداره کل میراث فرهنگی استان مرکزی در سه شهرستان مورد مطالعه، ۱۲۳ محوطه مربوط به دوره اشکانی مورد بررسی قرار گرفته است. در شهرستان کمیجان ۳۹ محوطه، در شهرستان خنداب ۵۶ محوطه و در شهرستان شازند ۲۸ محوطه دارای مدارک استقرار دوره اشکانی می‌باشند.

در حوزه شهرستان کمیجان، در سال ۱۳۶۸، به دنبال بررسی و شناسایی منطقه تفرش سفلی و منطقه فراهان بخشی از مناطق این شهرستان توسط خسرو پوربخشنده مورد مطالعه قرار گرفته است. در سال ۱۳۸۵ بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان کمیجان توسط غلام شیرزاد انجام شد. در همین سال و قبل از تشکیل شهرستان جدید خنداب، در قالب بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان اراک، تعدادی از محوطه‌ها و آثار تاریخی شهرستان خنداب توسط قاسم فضلی و بهروز فرحزاد معرفی گردید. در حوزه شهرستان شازند، در سال ۱۳۸۷، حسنعلی عرب بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان را انجام داده است و در سال ۱۳۸۸ علی اسدی بررسی جامع شهرستان خنداب را به انجام رسانیده است.

از محوطه‌های شاخص مربوط به این دوره در شهرستان کمیجان می‌توان به تپه تک‌تپه، تپه دمیرقیه، تپه قدیمی، تپه لب‌خط و تپه فرج اشاره کرد. تک‌تپه در شمال غرب روستای سوران قرار دارد و به صورت محوطه نسبتاً بلندی است که به دلیل شخم‌زنی‌های پی‌ای دامن‌های آن، محوطه شکل طبیعی و اصلی خود را از دست داده است. آنچه مشخص است اینکه اکثر سفال‌های سطحی محوطه از نوع سفال‌های کلینکی، سبوها و آبخوری‌های مربوط به دوره اشکانی است.

تپه دمیرقیه در شمال شرق روستای فامرین محوطه کوچکی در دشت کمیجان است که بر اثر پیشروی اراضی کشاورزی بدنه آن برش خورده و کوچکتر شده است. در بدنه‌های برش خورده محوطه آثار خشت‌های منظم کار شده به ابعاد ۴۰×۴۰ سانتی‌متر قابل تشخیص است. از جمله یافته‌های مورد توجه این محوطه قدامی دو تکوک با خمیره

شده‌اند و داده‌های سفالی دوره اشکانی از برخی از این تپه‌ها به دست آمده است.

در مرکز روستای چزان در شمال خنداب تپه بزرگ و مرتفعی با نام تپه مرکزی چزان قرار گرفته است (تصویر ۳). طول این تپه ۱۵۰ و عرض آن ۱۴۰ متر و ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف حدود ۱۰ متر است. خانه‌های روستایی در اطراف تپه ساخته شده و برخی از این خانه‌ها در عرصه تپه قرار دارند (تصویر ۴). برش ایجاد شده در ضلع شمالی تپه، لایه‌های مختلف تاریخی، مصالح معماری و برخی داده‌های سفالی مختلف را نمایان ساخته است.

همچنین در حوزه شهرستان خنداب، داده‌های سفالی توله تپه چزان، داش تپه، نشان از سکونتگاه مهم دوره اشکانی دارند.

در حوزه شهرستان شازند تپه‌های گردله، حاجی، برجی، حاج یوسف، تپه روستای تپه، تپه خرابه روستای خشکه در مالمیر، تپه برج بالان ۲، تپه پاکله، تپه جلایر، تپه مزرعه خاتون ۲، تپه قمارخون، تپه یسیران در روستای کتیران بالا، تپه قبرستان روستای تاج دولتشاهی، تپه گنگ روستای لنجرو، تپه قلعه آقا حمید آستانه، تپه‌های روستای سرسختی ۲ و ۳، تپه برج محمودی روستای برج نورآباد، تپه ده سفید روستای ضیاءآباد و تپه کوچک پرگله از مهمترین استقرارگاه‌های دوره اشکانی محسوب می‌شوند.

بررسی یافته‌های سطحی

از سطح محوطه‌های اشکانی منطقه مورد مطالعه شمار زیادی سفال شاخص منطقه غرب ایران در دوره اشکانی به دست آمده است. در سطح اکثر این محوطه‌ها تعداد قابل توجهی نمونه سفال‌های

قرمز و پوشش گلی نخودی رنگ است که در حین بررسی از کنار کانال عبوری اداره گاز شهرستان بدست آمده است.

مهمترین محوطه دارای داده‌های سفالی و مدارک استقرار دوره اشکانی در منطقه خنداب محوطه قشقه‌تپه در دشت چزان است. این دشت شمالی‌ترین بخش منطقه خنداب و نزدیکترین نقطه به منطقه کمیجان است (تصویر ۲). این منطقه به لحاظ اقلیمی بیشتر از منطقه کمیجان تبعیت نموده و نسبت به نواحی جنوبی منطقه خنداب و دره شرا از بارش بسیار کمتری برخوردار است. به طوری که امروزه با مشکل شدید کم آبی رو به روست و بخشی از زمین‌های آن به شوره زار تبدیل شده است. با این-حال در حال حاضر مراکز جمعیتی مهمی در آن قرار دارد و بررسی صورت گرفته و وجود استقرارگاهها نشان می‌دهد که در طول تاریخ این منطقه یکی از مهم‌ترین سکونتگاه‌ها بوده است. این محوطه مجموعه‌ای از تپه‌های پراکنده است که در بین روستاهای چزان، وزوانه و پیازآباد قرار گرفته‌اند. برداشت از خاک این تپه‌ها آسیب‌های جدی به آن وارد کرده است به طوری که قشقه تپه ۱ و ۴ کاملاً تخریب شده و به شکل استخر آب درآمده است و قشقه تپه ۳ به مقدار زیادی تخریب شده و ضلع شمالی آن به استخر تبدیل شده است، این تپه بازمانده تپه‌ای است که به طور کامل از بین رفته است. همچنین بخش‌های وسیعی از قشقه تپه ۵ به واسطه زمین‌های کشاورزی تصرف شده و چندین چاله کاوش غیر مجاز در آن ایجاد شده است.

مجموعه تپه‌های موسوم به لرنیز مانند مجموعه قشقه‌تپه از تپه‌های متعددی تشکیل شده است. این تپه‌های هشتگانه در جنوب غرب روستای چزان واقع

کلینکی، که سفال شاخص دوره اشکانی محسوب می‌شود، دیده می‌شود.

از مشخصات گونه‌های سفالی مربوط به دوره اشکانی در محوطه‌های تاریخی شهرستان کمیجان می‌توان به پراکندگی نسبتاً زیاد سفال‌های نوع کلینکی در این محوطه‌ها اشاره کرد. این نوع سفال در سطح محوطه‌هایی مانند محوطه قدیمی، تپه دمیرقیه، تک‌تپه، تپه معصوم‌آباد و زغال‌تپه به تعداد نسبتاً زیاد پراکنده شده است. نمونه سفال‌های دوره اشکانی شهرستان کمیجان عموماً دارای خمیره نخودی مایل به نارنجی با شاموت ماسه بادی و شن ریزه هستند. از محوطه‌های شاخص اشکانی در دشت کمیجان می‌توان از تپه تک‌تپه در شمال غرب روستای سوران و تپه دمیرقیه در شمال شرق روستای فامرین یاد کرد (اشکال ۱ و ۲).

در میان سفال‌های محوطه‌های دوره اشکانی منطقه کمیجان سفال‌های لعابداری نیز دیده می‌شوند که دارای ویژگی‌های سفالی دوره پارتنی‌اند. این ویژگی‌ها شامل لعاب سبز ترک خورده و گاهی پودر شده با خمیره زرد روشن یا نخودی است که به تعداد اندک در محوطه‌ها دیده می‌شوند.

در تپه‌های ششگانه موسوم به قشقه‌تپه در دشت چزان سفال شاخص منقوش غرب ایران و به ویژه سفال شاخص کلینکی دیده می‌شود. پخت مناسب، رنگ نخودی مات و در برخی موارد نارنجی روشن در بخش بیرونی و درونی ظرف دیده می‌شود و به طور کلی بافت این سفالها دارای یک طیف رنگ متغیر از نخودی تا خاکستری است. (شکل ۳).

به طور کلی در حوزه شهرستان خنداب و شازند نیز در کنار سفال نوع کلینکی در برخی محوطه‌ها، سفالهایی با سه طیف خاکستری، نخودی و قهوه‌ای

با شاموت شن نرم و درشت و ذرات براق و با تزئین نقوش کنده، خطوط برجسته و موازی و یا نقوش طنابی شکل در سطح محوطه‌ها دیده می‌شود (اشکال ۴ و ۵).

بحث و نتیجه‌گیری

به طور کلی مطالعه الگوهای استقرار دوره اشکانی در سه شهرستان کمیجان، خنداب و شازند نشان می‌دهد که عوارض طبیعی همچون ارتفاع از سطح دریا، دسترسی به منابع آب و شیب طبیعی زمین و همچنین وسعت محوطه‌ها تأثیر بسزایی در شکل‌گیری استقرارهای جوامع انسانی در این مناطق داشته است.

به طور کلی استقرارهای موجود در ارتفاع ۱۶۰۰ تا ۱۸۰۰ متر از سطح دریا در شهرستان‌های کمیجان و خنداب و تا ارتفاع ۲۲۰۰ متر در منطقه شازند قرار گرفته‌اند. در حالی که ارتفاع ۱۶۰۰ متر از سطح دریا ارتفاعی مناسب به منظور تشکیل استقرارهای دائمی است و شیب طبیعی صفر درجه در برخی از نقاط وجود دارد؛ دشت چزان در ارتفاع حدود ۱۶۷۰ متر از سطح دریا در شمال شرقی منطقه خنداب و نیز در شیبی صفر درجه و مسطح استقرارهایی دائمی در دوره اشکانی شامل مجموعه‌های قشقه‌تپه و لر را در خود جای داده است. در این ارتباط وسعت قابل توجه محوطه‌های این منطقه نظیر مجموعه محوطه‌های قشقه‌تپه و لر، که برخی از آنان نظیر قشقه‌تپه ۳ به حدود ۱۵۰×۱۵۰ متر مربع می‌رسد، شرایط مساعدتری جهت ایجاد استقرارهای دائمی در منطقه ایجاد نموده است. این در حالی است که اگر چه امروزه در دشت چزان سطح آب‌های زیر زمینی

استفاده از آب جاری رودخانه و هدایت آن به دشت، از چشمه‌ها و قنات‌ها نیز استفاده می‌کرده‌اند و این مسأله به تکرر و تعدد محوطه‌ها به خصوص در داخل دشت انجامیده است. در ارتفاع ۱۶۰۰ تا ۱۸۰۰ متر از سطح دریا استقرارهایی نظیر تپه دمیرقیه، تپه قدیمی، تک تپه و قرمز تپه شکل گرفته‌اند. در این دوره بعضاً دره‌های پرآب میان‌کوهی چون دره فردقان در شمال و شمال شرق شهرستان پذیرای جوامع انسانی می‌شده است.

در حوزه شهرستان خنداب، دره شراء، در طرفین رود قره‌چای، هسته اصلی استقرارگاههای انسانی در دوران پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی است. در بررسی روند سکونت‌ی دره مذکور در مراحل مختلف پیش از تاریخی، تاریخی و اسلامی، عوامل جغرافیایی و آب و هوایی، همانند بسیاری از نقاط دیگر نقشی اساسی ایفاء می‌کند. رود قرچای که سرچشمه آن در نزدیکی منطقه [ارتفاعات شازند] قرار دارد نقشی اساسی و پر رنگ در تمامی دوره‌های استقرار دارد. اکثر قریب به اتفاق سکونتگاههای بررسی شده در منطقه، در حوزه رودخانه شراء شکل گرفته است. دره رودخانه در مناطق پایین دست عریض‌تر شده و زمین‌های کشاورزی بیشتری را تحت پوشش قرار می‌دهد. محوطه‌ها و تپه‌های شناسایی شده نیز در فواصل دور و نزدیک نسبت به رودخانه قرار گرفته و در بخش‌های شمالی حوزه بررسی، که ابتدای دشت حاصلخیز کمیجان است، تراکم استقرارها به اوج خود می‌رسد.

موقعیت کوهستانی منطقه نیز در شکل‌گیری این استقرارها نقشی اساسی داشته و با ارایه الگوی استقراری واحد، توالی و تسلسل دوره‌های مختلف

منطقه بسیار پایین رفته است، اما در گذشته منابع آب زیر زمینی و نیز جریان رود قره‌چای منابع مهم آبی منطقه محسوب می‌شده است که تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری این استقرارها داشته است.

در شهرستان کمیجان، به انضمام بخش خنجین که در حال حاضر در حوزه شهرستان فراهان قرار گرفته است، در مجموع ۹۰ اثر مورد بررسی قرار گرفت که بر اساس تقدم و تاخر زمانی در سه دوره پیش از تاریخ، تاریخی و دوران اسلامی جای گرفته‌اند.

استقرارهای پیش از تاریخ شهرستان به نسبت استقرارهای دوره تاریخی و اسلامی کمتر بوده و از حدود ۷ اثر تجاوز نمی‌کند. در مقایسه با استقرارهای دوره‌های پیش از تاریخی، سکونتگاههای دوره تاریخی در تمامی گستره منطقه با تعداد قابل ملاحظه‌ای پراکنده شده‌اند و در مجموع ۳۹ اثر را شامل می‌شوند. این استقرارها عموماً با فواصل اندک از یکدیگر به صورت تپه‌های کوچک تا محوطه‌های وسیع و بزرگ در سطح دشت و با فواصل بیشتر در مناطق میان‌کوهی و پایه‌کوهی دیده می‌شوند. تمامی محوطه‌های مذکور به دوره اشکانی تعلق دارند. این محوطه‌ها در دوره اشکانی گستره وسیعی را در منطقه شامل می‌شده‌اند که نشان دهنده گسترش سکونتگاههای انسانی در این دوره در منطقه و افزایش جمعیت در آن می‌باشد (نمودار ۱).

در حوزه شهرستان کمیجان در دوره تاریخی و به خصوص در دوره اشکانی نه تنها در سطح دشت بلکه در تمامی گستره شهرستان، محوطه‌هایی شکل گرفته‌اند که افزایش نسبی جمعیت منطقه و تراکم آن را نشان می‌دهند. به نظر می‌رسد در این دوره شرایط زیست محیطی شهرستان بهتر و جوامع انسانی سوای

فرهنگی منطقه را از پیش از تاریخ تا دوره اسلامی نشان می‌دهد.

در نگاه کلی محوطه‌های مورد مطالعه دارای آثار و مدارک استقرار در دوران پیش از تاریخ تا قرون متأخر اسلامی بوده و دوره‌های استقرار متنوع در تپه‌ها و محوطه‌ها وجود دارد؛ به طوری که دوره پیش از تاریخ در ۸ محوطه، دوره هخامنشی در ۲۶ محوطه، دوره اشکانی در ۵۶ محوطه، دوره ساسانی در ۴۰ محوطه، قرون اولیه اسلامی در ۲۳ محوطه، قرون میانی اسلامی در ۲۵ محوطه و قرون متأخر اسلامی در ۵۰ محوطه مورد مطالعه قرار گرفت (نمودار ۲).

مطالعه استقرارهای دره شرا نشان می‌دهد که بیشترین دوره شناخته شده نسبت به تمامی دوره‌های پیش از تاریخی و تاریخی مربوط به دوره اشکانی است. از تعداد ۱۴۰ اثر بررسی شده تعداد ۵۶ تپه به دوره اشکانی تعلق دارند. این بررسی نشان می‌دهد که تعداد ۲۰ استقرارگاه تداوم سکونت در دوره هخامنشی است و تعداد ۳۶ سکونتگاه شکل‌گیری استقرار جدید در دوره اشکانی را نشان می‌دهند؛ از این تعداد ۱۰ محوطه به صورت تک دوره‌ای، صرفاً متعلق به دوره اشکانی می‌باشند که احتمال کوچرو بودن این استقرارها را افزایش می‌دهد (نمودار ۳).

اگر چه شباهت زیاد داده‌های سفالی اشکانی با نمونه‌های هخامنشی مانع تفکیک سکونت‌گاه‌های این دو دوره از هم می‌گردد، با اینحال برخی سفال‌های شاخص دوره اشکانی به ویژه سفال نوع کلینکی و نمونه سفال‌های با لبه‌های بیرون آمده مربوط به دوره فرا هخامنشی در منطقه فارس بیانگر استقرارهای با اهمیت منطقه در دوره اشکانی است (اسدی، ۱۳۸۸: ۶۲۱). داده‌های سفالی توله تپه

جزان، داش تپه، تپه لر و قشقه تپه نشان از سکونتگاه مهم دوره اشکانی دارند.

حوزه جغرافیایی شهرستان شازند به لحاظ ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی همچون ارتفاع از سطح دریا، میزان بارش سالیانه، پوشش گیاهی مناسب، وجود منابع آب و... در شرایط متفاوتی نسبت به دو شهرستان کمیجان و خنداب قرار دارد و این مساله باعث شکل‌گیری بیشتر استقرارها در طول تاریخ در این منطقه شده است. تعداد ۲۵۴ تپه، محوطه و اثر تاریخی دیگر در این شهرستان مورد بررسی قرار گرفته است که از این تعداد ۱۹۲ اثر مربوط به تپه‌ها و محوطه‌های تاریخی است. به طوری که در ۳۲ تپه و محوطه استقرارهای دوره پیش از تاریخ، در ۹۴ محوطه استقرارهای دوره تاریخی و در ۴۹ محوطه استقرارهای دوره اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است و مدارک کافی برای تعیین قدمت اولیه ۱۷ تپه و محوطه نیز به دست نیامده است (نمودار ۴). در بین محوطه‌های دارای مدارک دوره تاریخی از ۲۸ تپه و محوطه مدارک استقرار دوره اشکانی شامل سفال-های با خمیره نخودی، قهوه‌ای و نارنجی و نیز با نقوش کنده، طنابی شکل و بعضاً سفال شاخص نوع کلینکی به دست آمده است. (نمودار ۵).

نکته مورد توجه در این زمینه آن است که در این استقرارها، استقرارهای تک دوره‌ای دیده نمی‌شود و استقرارهای اشکانی بررسی شده ادامه استقرار از دوره‌های ماقبل تاریخ همچون مس سنگی و مفرغ بوده و گاهی موارد استقرارهایی که از دوره اشکانی آغاز شده است در دوره‌های اسلامی نیز تداوم یافته است. برای مثال در تپه‌های تاریخی سرسختی ۲ و ۳، قمارخون، یسیران، چال تپه قدمگاه تداوم استقرار از دوره‌های مس سنگی و مفرغ دیده می‌شود که بعضاً

ترجمه زهرا باستی. - تهران: سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاهها، سمت، ۱۳۸۱.

۴. عرب، حسنعلی؛ گزارش بررسی باستان شناسی شهرستان شازنده، اراک : اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان مرکزی، ۱۳۸۷.

۵. محمدی فر، یعقوب؛ بررسی و تحلیل آثار و استقرارهای اشکانی زاگرس مرکزی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی محمد رحیم صراف، ۱۳۸۴.

۶. هرینک، ارنی؛ سفال ایران در دوره اشکانی، مترجم: حمیده چوبک، ویرایش علمی فاطمه کریمی. - تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، ۱۳۷۶.

7. Levine, L.(1975), Survey in the province of Kerman shahan. Proceeding of the IV/Annval Symposium, Tehran, 1975.

8. Young, T. Cuyler(1966), "Survey in western iran 1961", Journal of near Eastern Studies, 25(A), 228-239.

پس از دوره تاریخی نیز تداوم یافته است. در برخی از تپه‌ها نظیر تپه گردله، حاجی، حاج یوسف، جلایر و برج محمودی نیز استقرارهای دوره‌های اشکانی و ساسانی در دوره اسلامی تداوم یافته است. در عین حال در برخی از محوطه‌ها نظیر تپه‌های هلیله، ریز، تپه کلاوه، تپه برجی و تپه پاگله صرفاً آثار استقراری دوره‌های اشکانی و ساسانی دیده می‌شود.

در ارزیابی کلی، مطالعه صورت گرفته بر روی استقرارهای دوره اشکانی سه شهرستان مورد نظر نشان می‌دهد که این منطقه در دوره مذکور به عنوان یک منطقه بینابینی میان حوزه فلات مرکزی (خوره) و منطقه غرب ایران (زاگرس) نقش مهمی ایفا نموده است و از آنجا که سفال نوع کلینکی در یک منطقه وسیع جغرافیایی از غرب روی مسیر قصر شیرین (تپه عظیم، قلعه یزگرد) و از سمت شرق تا حدود خوره گسترش داشته است؛ نویافته‌های سفالی منطقه در حوزه ۲ هرینک، حلقه واسط در حوزه قلمرو سفال کلینکی در منطقه فلات و زاگرس محسوب می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. اسدی، احمدعلی؛ گزارش بررسی باستان شناختی شهرستان خداب (دره شراء)، اراک : اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان مرکزی، ۱۳۸۸.

۲. شیرزاد، غلام؛ گزارش بررسی و شناسایی باستان شناسی شهرستان کمیجان، اراک : اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان مرکزی، ۱۳۸۶.

۳. ساخت، ر؛ فرهنگ‌های تاریخی اولیه در باستان‌شناسی غرب ایران، به کوشش فرانک هول،



نقشه ۱- محدوده زاگرس مرکزی (محمدی فر، ۱۳۸۴):

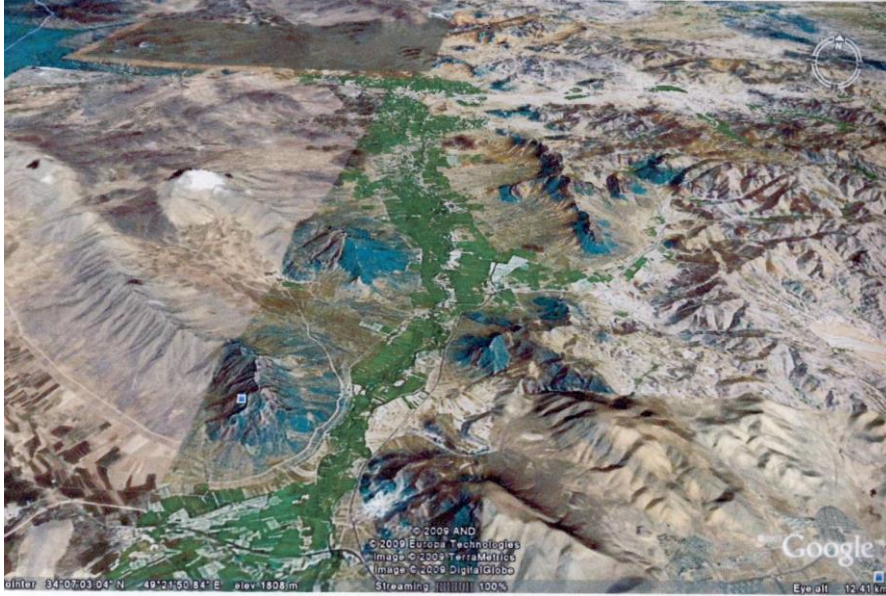
(۱۰، نقشه ۱-۲)



نقشه جغرافیایی ۲ و ۳- استان مرکزی به تفکیک شهرستان

و موقعیت سه شهرستان مورد بررسی بر روی نقشه





تصویر ۱- عکس هوایی دره شراء در استان مرکزی



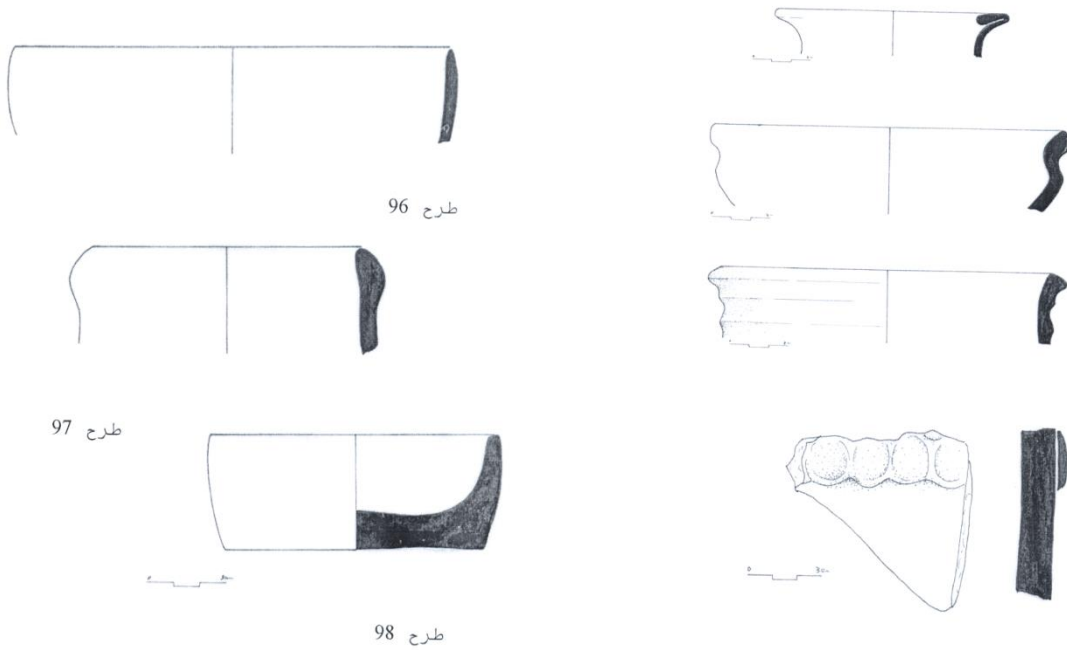
تصویر ۲- دشت چزان در شمال شرق شهرستان خنداب، تپه تاریخی قشقه تپه ۱



تصویر ۳- عکس هوایی تپه مرکزی چزان

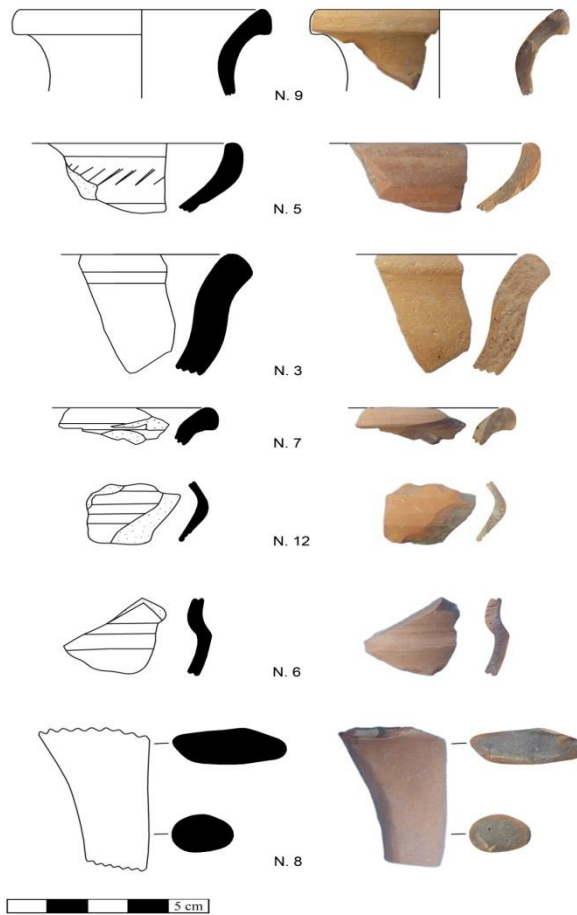


تصویر ۴- وضع موجود تپه مرکزی چزان و وجود خانه‌های مسکونی برخی از اهالی در عرصه اصلی تپه

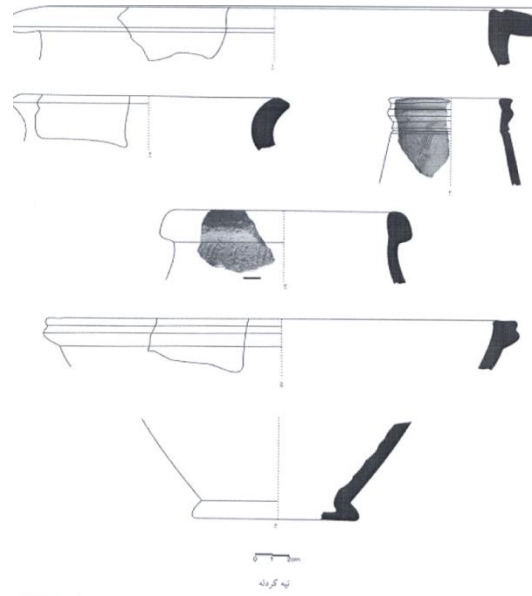


شکل ۲- طرح سفال‌های دوره تاریخی
تپه دمیرقیه کمیجان (منبع: شیرزاد، همان: ۲۴۲)

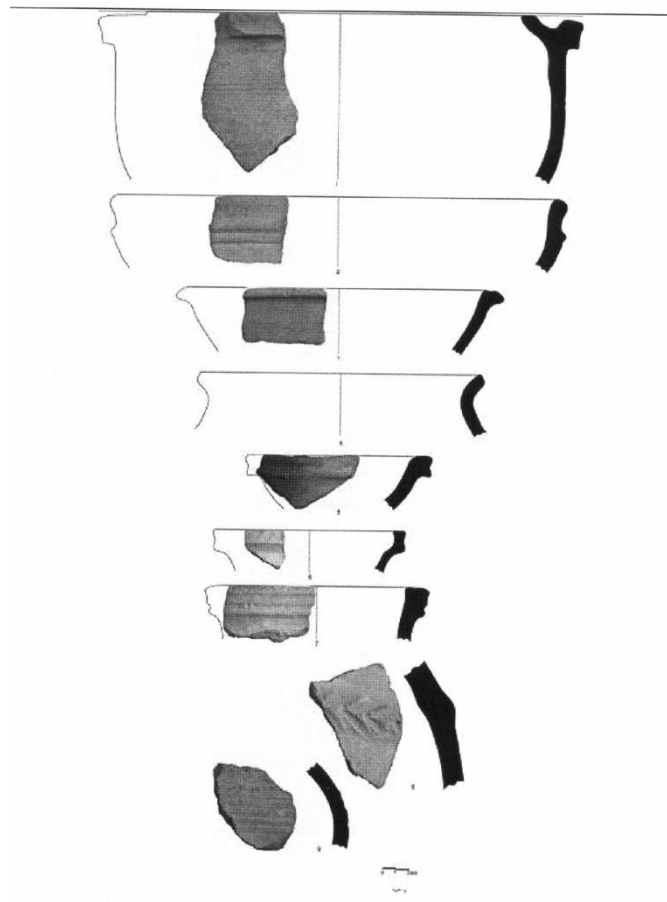
شکل ۱- طرح سفال‌های دوره تاریخی
تک تپه کمیجان (منبع: شیرزاد، ۱۳۸۷: ۱۸۲)



شکل ۳- طرح سفال‌های دوره اشکانی قشقه تپه ۵ منطقه چزان (طرح از سمیه دهقان، ۱۳۹۳)



شکل ۴- طرح سفال‌های دوره تاریخی تپه گردله شازند
(منبع: عرب، ۱۳۸۷: ۲۸۸)



شکل ۵- طرح سفال‌های دوره تاریخی تپه هلیله شازند
(منبع: عرب، همان: ۱۶۳۲)

